



# فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام

## با تکیه بر آیات قرآن کریم و نهج البلاغه

دکتر سید هاشم گلستانی، مریم شکریان دهمکردی

※ چکیده :

در این پژوهش با مرور آیات نورانی و هدایت بخش قرآن کریم و نهج البلاغه و نیز احادیث معتبر اسلامی، فلسفه تربیتی اسلام استنباط و استخراج گردیده است. مبانی فلسفی تربیت اسلامی بر ده اصل مهم خدا محوری، تعقل، کرامت، اعتدال، تفکر، عزت، تدرج و تمکن، تسهیل و تیسیر، توجه به آخرت در عین توجه به دنیا و عمل گرایی قرار دارد. فرضیه های تحقیق با توجه به این ده اصل پاسخ داده شده است.

※ واژه های کلیدی: فلسفه، تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت، اسلام، تعلیم و تربیت اسلامی  
※ مقدمه:

فلسفه تعلیم و تربیت رشته ای مستقل است که در آن از بنیاد های فلسفی مکتبها و نظرات فیلسوفان درباره انسان و جهان و چگونگی رشد و تعالی و پیشرفت انسان بحث می کند. از جمله مسائل اساسی که فلسفه تعلیم و تربیت به آن می پردازد مسئله واقعیت جهان است و این امر که آیا جهان نظام واحدی را تشکیل می دهد یا نظام های متعدد در جهان وجود دارد آیا اساس جهان امری مادی است یا امری عقلانی است. آیا جهان جریانی پیوسته و مستمر دارد؟ پایگاه انسان در جهان چیست و اینکه نقش انسان در بوجود آوردن معرفت تا چه اندازه است به بررسی ماهیت ارزشها و اهمیت آن در زندگی آدمی چیست؟ و برای اینکه تربیت اخلاقی به طور موثر انجام شود بررسی اموری مانند ماهیت ارزشها، طبقه بندی ارزشها میزان تشخیص ارزشها و نحوه پرورش شخصیت اخلاقی لازم و ضروری است. از آنجا که ایران یک کشور اسلامی است نگاهی نو و تحلیلی بر فلسفه تربیتی اسلام که با فرهنگ ایران اسلامی و باورهای مردم این سرزمین پیوند نا گسستنی دارد قابل تحقیق و بررسی می باشد. فلسفه تعلیم و تربیت بخش مهمی از علوم تربیتی است که علوم انسانی در بسیاری



موارد آمیخته با اندیشه های فلسفی و ارزش های اجتماعی است. در عصر حاضر تعلیم و تربیت با استفاده از مبانی فکری فلسفی و فرهنگی و ضرورت های تاریخی که بر اثر تحولات اجتماعی پدید می آید. در جوامع مختلف جایگاه خود را باز کرده است که باید از همین رهگذر متناسب با تفکرات فلسفی صحیح و ارزش های مقبول دینی و الهی را باز سازی گردد به خصوص آنکه قرآن کریم در معارف اسلامی دارای قلمرو های مشترک با علوم انسانی است. همچنین دین اسلام در عرصه های تربیتی دارای نظریه های فراوانی است و دارای مکتب و نظام تربیتی جامع است که لازم است در این زمینه تحقیقات گسترده ای انجام گیرد. بر همین اساس در این تحقیق سعی شده است تا با مروری نسبتاً کامل در کتاب وحی الهی و پژوهش در مجموع آیات هدایت بخش و نورانی قرآن کریم فلسفه تربیتی اسلام استنباط و استخراج شود و بنابراین می تواند شمائی جامع و مستند از شاخص های فلسفه تربیت دینی را در اختیار ما قرار دهد. افزون بر متن کتاب آسمانی از نهج البلاغه و نهج الفصاحه و احادیث معتبر نبوی هم بهره های لازم صورت گرفته است.

✽ فرضیه های تحقیق:

- ۱- فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام بر خدا محوری استوار است.
- ۲- فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام بر تعالی و کمال و بالندگی انسان قرار دارد.
- ۳- فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر سیر تدریجی و طی مراحل رشد تا مرتبه تقرب به خداوند قرار گرفته است.
- ۴- فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر عقلانیت و خرد ورزی است.
- ۵- فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر محوریت فرد و جامعه است.
- ۶- در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی هر فرد مسئول تزکیه و اصلاح خویش است.

✽ مفهوم تعلیم و تربیت:

تربیت عبارت است از عملی که قوای جسمانی، روانی و عقلی انسان را شکوفا ساخته، تا آن قوا با نظام و سازمان ویژه ای با استعداد از درون متربی و به مدد کوششهای او به میزان توانائی و استعداد خود، رشد و پیشرفت نماید. تربیت صحیح علاوه بر تلقینات مربی، به کوشش ها و تحرک متربی نیز متکی است لذا مهمترین وظایفی که باید مربی آن را نصب العین خود قرار دهد، این است که توانایی و استعداد های متربی را در قیام به وظایف تربیتی، ناچیز و کم اهمیت تلقی نکند، بلکه آنها را آزاد گذارد تا شخصا بر مشکلات در دایره امکانات و توانایی خود پیروز گردند. (حجتی، ۱۳۵۹، ص ۱۱). فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام، تربیت فردی و اجتماعی و ساختن و پرداختن انسانی است که به کمال لیاقت خود در جهات مادی و معنوی نایل گردد و این هدف در این آیه خلاصه شده است: ((وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا)) (سوره قصص، آیه ۷۷). و بجوی در آنچه خدا به تو داده است خانه آخرت را و بهره خود را از دنیا فراموش نکن.

✽ تعلیم و تربیت در اسلام:

هدف غایی تربیت و تعلیم اجتماعی در اسلام آن است که مقدمات حرکت و هدایت آدمی در صراط مستقیم پرستش پروردگار را فراهم آورد و معراج او را به مرحله کمال انسانی، آسان



سازد و بازگشت به احسن تقویمی را که بنیاد آفرینش وی بر آن استوار است، هموار کند و به یاری عمل صالح از مراحل و مدارج علم و ایمان بگذراند و هر لحظه بیشتر به خدا که مقصد نهایی این سیر و سلوک است نزدیک نماید. به عبارت دیگر، انسان باید چنان ساخته شود که استعدادهای عالیه روحی ملکوتیش شکوفا شده و لیاقت قدم نهادن در آستان قرب ربوبی را پیدا کند. روش تربیتی اسلام، بر تمامی ابعاد وجودی انسان، اعم از جسمی و روحی و به تبع آن، زندگی مادی و معنوی او، اشرف و عنایت دارد. بر خلاف نظامات اجتماعی انسانی که فقط به یک بعد از ابعاد وجودی انسان معتقدند و تنها به تغذیه و تربیت همان قسمت اهتمام می ورزد و بس.

\* مبانی فلسفه تعلیم و تربیت در قرآن و نهج البلاغه :

۱- اصل خدامحوری:

یکی از عام ترین اصول در تربیت اسلامی اصل خدا محوری است. این اصل جوهره ی انسانی رفتار یک فرد دین دار را تشکیل می دهد و مهمترین اصل ایجاد تمایز تربیت دینی از دیگر رویکردهای تربیتی به شمار می آید. به طور مشخص مفهوم خدا محوری عبارت است از ((انجام و یا قصد انجام اعمال و رفتار انسانی بر اساس ملاک و معیارهایی که خداوند برای آنها تعیین کرده است، به منظور کسب رضایت الهی)) جریان این امر در عمل تربیتی ناظر بر نحوه ی عملکرد مربی بر اساس آن ملاک هاست. ((قُلْ اِنَّ هُدٰى اللّٰه هُوَ الْهُدٰى وَ اَمْرًا لِّسَلْمٍ لِّرَبِّ الْعَالَمِیْنَ))، بگو درحقیقت تنها هدایت خداست که هدایت واقعی است که دستور یافته ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم (انعام ۷۱) منظور از این اصل دربرنامه تربیتی، ایجاد و پرورش روحیه ی تعبد در مرتبی است، به نحوی که در او حالتی حاکی از اطاعت متواضعانه در برابر اوامر الهی ایجاد کند. ثبات در اهداف کلی و پیروی از قوانین ماندگار الهی انگیزش درونی ناشی از حضور خداوند نزد فرد و کسب عزت نفس از طریق اتکاب به خداوند واستغناء درونی از دیگران، رهایی از احساس تنهایی و ... بعضی از دستاوردهای تربیتی خدامحوری است.

۲- اصل تعقل:

به کارگیری عقل و استفاده از آن تعقل نامیده می شود و اساس تربیت صحیح بر تعقل است که آدمی با تعقل آیات حق را در می یابد و به کمالات الهی متصف می شود (لسان العرب ۱۴۰۸، ق ۹، ص ۳۲۶) ((وَ کَذٰلِکَ یُبَیِّنُ اللّٰهُ لَکُمْ اٰیٰتِهٖ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُوْنَ)) بدین گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند، باشد که تعقل کنید (بقره ۲۴۲) عقل موهبتی است الهی و نوری رحمانی که پیامبر درون انسان شمرده می شود، به حسب ذات مایل به خیرات و کمالات و خواستار عدل و احسان است. همت تربیتی باید بر این باشد که قوای گوناگون انسان (و هم، غضب و شهوت ..) و عواطف و احساسات آدمی تحت حاکمیت عقل معاد در آیند که اگر اینها زیر پوشش عقل هدایت باشند هر کدام در جای خود واقع می شوند و هماهنگی کامل میان قوا و عواطف و احساسات آدمی برقرار می شود.

در این صورت است که انسان در عین رحمت و محبت از صلابت و شدت برخوردار می شود و

هر یک را در جای خود و به درستی به کار می گیرد. (جوادی املی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۰)



۳ - اصل اعتدال در قرآن و نهج البلاغه :

هر حرکت و فعل تربیتی باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکت و فعلی مطلوب باشد. آیین تربیتی دین به اعتدال در هرامری فرا می خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه ای است که مردمانی متعادل تربیت شوند. خدای تعالی امت اسلامی را امتی متعادل و میانه رومعرفی می کند و نمونه ای را که این امت باید خود را با او تطبیق دهد و در پی او رود پیامبر اکرم (ص) معرفی می نماید. «و کذلک جعلنا کم امه وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً» و این چنین شما را امتی میانه (متعادل) ساختیم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد (بقره/۱۴۳)؛ ((دوست خود را از اسرار آگاه مکن، مگر آن که سری که اگر فرضاً دشمنت بداند به تو زیان نمی رسد، زیرا دوست کنونی ممکن است روزی دشمن تو گردد)) (وسائل الشیعه، ج ۸ ص ۵۰۲)؛ ((بر هر خردمندی واجب است که در اکتساب فضایل اخلاقی که حد وسط و اعتدال در خوی ها و صفات است و از جانب شریعت (مقدس اسلام) به ما رسیده است کوشا باشد و از ذرایل که افراط و تفریط است اجتناب کند، و اگر در این راه کوتاهی و تقصیر کند، هلاکت و شقاوت ابدی گریبانگیرش شود)) (نراقی، ۱۴۰۵، ص ۴۱)

۴ - اصل کرامت در قرآن کریم و نهج البلاغه:

کرامت به معنای بزرگواری و نزاهت از پستی و فرومایگی و برخوردارگی از اعتلای روحی است و خدای تبارک و تعالی انسان را مفتخر به آفرینش کریم کرده است تا در زمینه کرامت نفس به کمالات الهی دست یابد (جوادی املی، ۱۳۶۹، ص ۲۱) «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم. (اسراء/۷۰) انسان دارای کرامتی ذاتی است و این برترین سرمایه وجودی را می تواند شکوفا کند یا از دست بدهد انسان روحا و فطرتا به سمت کرامت گرایش دارد و از ذنات بیزار است و کمال آدمی در این است که کرامتش رشد یابد و از امور پست دور گردد. (جوادی املی، ۱۳۶۹، ص ۴۲)

۵ - اصل عزت در قرآن و نهج البلاغه:

اصل عزت از مهم ترین و بنیادی ترین اصول تربیتی است، زیرا اساس تربیت و عزت است و اگر فرد با عزت رشد یابد و تربیت شود، به حالتی دست می یابد که پیوسته در هر اوضاع و احوالی راست و استوار باشد. (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۰) «عزّت» آن حالتی است که در انسان نمی گذارد مغلوب کسی گردد و شکست بخورد، و اصل آن از این جا گرفته شده است که می گویند «أَرْضُ عِزٍّ» یعنی زمین سخت و سفت (المفردات، ۱۳۳۱، ص ۱۱۵) امیر مومنان علی (ع) نیز این حقیقت را چنین بیان کرده است: «الْعَزِيزُ بِغَيْرِ اللَّهِ ذَلِيلٌ» عزیز کسی که عزتش از خدا نیست ذلیل است. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۰)

۶ - اصل تدرج و تمکن در قرآن و نهج البلاغه:

(تدرج) به معنای اندک اندک و آهسته آهسته پیش رفتن و پایه پایه نزدیک شدن است. و تمکن) به معنای جای گرفتن و جاگیر شدن و پا بر جاشدن و نیز توانایی و قدرت و قادر شدن بر چیزی است. (فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۰۵۶) امیر مومنان علی (ع) در ضمن حکمتی نورانی خطاب



به کمیل بن زیاد بدین حقیقت اشاره کرده و فرموده است: ((یا کمیل، اِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبُ اَوْ عَيْهٖ فَخَيْرُهَا اَوْعَاها...ها اِنَّ هَا هُنَا لَعَلِمَا جَمًا {و اشار بيده الى صدره} لَوْ اَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷) ای کمیل، این دلها همچون ظرفهاست، و بهترین آنها نگاهدارنده ترین آنهاست...بدان که در اینجا {و به سینه خود اشارت فرمود} دانشی است انباشته، اگر برای آن فراگیری می یابتم.

۷ - اصل تسهیل و تیسیر در قرآن و نهج البلاغه:

(تسهیل) و (تیسیر) به معنای آسان کردن و سهل گردانیدن است، و مراد آن است، و مراد آن است که در هر حرکت تربیتی راه های آسان و میسر به روی متربی گشوده شود تا میل و رغبت به رفتن فراهم شود و با متربی از سر ملایمت و مدارا رفتار شود تا بتواند راه را بر خود همواره سازد و طی طریق کند و به مقصود دست یابد. (فرهنگ معین، ج ۱، ص ۸۳-۱۰۸۳) ((وَّ سَهَّلْ لِكُمْ سَبِيلَ الطَّاعَةِ)) خداوند راه اطاعت را برایتان آسان نموده است (همان خطبه، ص ۱۵۱) ((وَّ كَلَّفَ سَيْرًا وَّ لَمْ يَكَلِّفْ عَسِيرًا)) آنچه خداوند تکلیف کرد آسان است نه دشوار (همان حکمت، ص ۷۸)

۸ - اصل تفکر در قرآن و نهج البلاغه :

تفکر اساس حیات انسانی است ، زیرا انسانیت انسان وادارک او از عالم و آدم و پروردگار عالمیان و اتصالی که با حق برقراری کند و به نحوه تفکر اوست. با تفکر راست که استعداد های پنهان آدمی از قوه به فعل در می آید و زمینه حرکت کمالی او را فراهم می شود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۱) راه تربیت آدمی، راهی است که از فکر می گذرد، زیرا انسان موجودی است متفکر یعنی با اندیشه زندگی می کند و با به کار گرفتن فکر خود سیر می نماید و هر سود و زبانی که می بیند از راه افکار و اندیشه هایش است که بهره مندی متضرر می شود و از همین راه به سعادت و شقاوت می رسد. بنابراین توجه به تفکر صحیح و تربیت فکری اساسی سلوک به سوی کمال مطلق است. پس باید همه امور تربیتی، اموری مبتنی بر اندیشه صحیح باشد و از راه فکر آدمی را متوجه سود و زیان و صلاح و فسادش نمود تا بر اساس تفکر در یابد و به شوق رسد و به حقیقت گرایش یابد و بر اساس تفکر ازبیدی و تباهی دوری گزیند . (جوادی آملی، ۱۳۷۴، ص ۹۵)

۹ - اصل توجه به آخرت در عین توجه به دنیا:

((دنیا)) در معنای مذموم و پست و بازدارنده آن صفت فعل آدمی است، تعلق نفسانی و آرزو های پست حیوانی است. دنیا در این معنا حجاب اصلی کسب کمالات است و تا انسان از اسارت این دنیا آزاد نشود، پرواز به سوی مقصد توحید میسر نمی شود. این دنیا است که انسان را باز می دارد و موجب فریب خوردن او و تباهگری و ستمگری اش می شود. ((يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَعِثْنَاكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا)) ای مردم، ستم و سرکشی شما تنها به زیان خودتان است (که سبب آن) بهره وری (کوتاهی از) زندگی دنیای است. (یونس/۲۳). یعنی همه سرکشی ها، ستم ها و تباهی ها به خاطر تمتع دنیایی است، علت همه این ها بهره های دنیایی است . (المیزان، ج ۱۰، ص ۳۸)

((وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَّ لَهْوٌ)) و زندگی دنیایی جز لهو و لعب چیزی است (انعام/۳۲)



امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: (( تا انسان به آمال خودش پشت نکند، به دنیا پشت نکند، جلو نمی‌رود، دنیا که همان آمال آدم است، دنیای هر کس همان آمال اوست ... دنیا تکذیب شده است و عالم طبیعت تکذیب نشده است، دنیا همان است که پیش شماست. خود شما وقتی توجه به نفستان دارید، خودتان دنیا یید. دنیای هر کس آن است که در خودش است. (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۵۶)

#### ۱۰ - عمل‌گرایی و توجه به رفتار در قرآن و نهج البلاغه:

بر هیچ کس پوشیده نیست که دین همواره بیش از آن که وابسته به حوزه آگاهی‌های انسان باشد ناظر بر مواضع عملی وی است. اگر بر آگاهی نیز تأکید می‌شود، صرفاً به منظور انعکاس آن در حیطه اعمال و رفتار انسان است. بنابراین آگاهی و معرفت دینی در صورتی با شخصیت فرد عجین می‌شود و در او تأثیر می‌گذارد که با عمل وی مقرون گردد، از این رو یک مربی موفق کسی است که همواره با توجه به ظرفیت و استعداد متربی او را وادار به عمل کند. (کاردان، ۱۳۸۱، ص ۶۰) بدانید که آرزوهای دور و دراز عقل را غافل و یاد خدا را به فراموشی می‌سپارد. آرزوهای ناروا را دروغ انگارید که آرزوها فریبنده‌اند و صاحبش فریب خورده (نهج البلاغه، خطبه ۸۶).

#### \* نتیجه‌گیری:

یکی از ارکان و اهداف مهم دین، اخلاق است. مقصود از تمام معارف دینی و انجام مناسک و شعایر، ایجاد تحول، اخلاقی در انسان است، به نحوی که اگر عناصر معرفتی و عبادی در دین نتوانند در حوزه اخلاقی تأثیر بگذارند به کمال خود دست نیافته‌اند. هنگامی که به اسلام نظر می‌افکنیم و درمی‌یابیم که با فشاری و تأکید بر غایت‌ها و فرجام‌های اخلاقی و عملی در قالب تقوا، عبرت‌آموزی، شکرگزاری، ایمان و یقین، دریافت مرافقت، عبادت الهی، نیل به رشد و رستگاری و... بیانگر ارزش بی‌همتایی عنصر اخلاق در میان عناصر است؛ بنابراین می‌توان متعلق تربیت دینی را همان تربیت اخلاقی دانست. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: ((أَنْتِي بُعِثْتُ لَا تَمَمَّ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ)) همانا من برای کامل کردن کرامتهای اخلاقی مبعوث شده‌ام (بخا الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰) مفاهیمی از قبیل برّ و نیکی، خیر، معروف، احسان، عدل، اجتناب از فحشاء، منکرو ظلم و... حاکی از رویکرد اخلاق به تربیت دینی است. برخی از آیات در این باره عبارتند از: (اعراف/۳۳ و ۱۹۹، بقره/۷۷ و ۱۹۵/۲۶۳، آل عمران/۱۰۴ و ۱۹۳/۱۹۸، قصص/۷۷، هود/۷۱، مومنون/۹۶، اسراء/۵۳، بقره/۱۶۹ و ۲۶۸، عنکبوت/۴۵، انعام/۱۵۱) قرآن کسب معرفت را صرفاً ابزاری برای نیل به تحول اخلاق می‌داند، چه معرفت در سطح جهان‌شناسی باشد چه آگاهی از امور غیب و چه معرفت از وقایع تاریخی (هود/۱۲۰، قمر/۴، یوسف/۳، نازعات/۴۳) از طرف دیگر نگاه قرآن به احکام و شریعت، نیز نگاهی حاکی از اخلاق‌مداری است: ((وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ)) و نماز را برپا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد. (عنکبوت/۴۵) بقره آیات ۱۷۷ و ۱۸۳ و توبه آیات ۱ و ۳ نیز بر این مطلب دلالت دارند.



فهرست منابع و مأخذ:

- \* قرآن کریم (۱۳۸۵)، ترجمه الهی قمشه ای، مهدی، چاپخانه قم الهادی.
- \* نهج البلاغه، (۱۳۵۱)، حضرت علی(ع)، ترجمه علی تقی فیض الاسلام.
- \* اصول کافی (۱۳۸۸)، ه.ق کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب المکتبها الاسلامیه.
- \* احیاء علوم الدین، امام محمد غزالی، دارالمعرفه للطباعه النشر بیروت.
- \* شرح غرر الحکم و درر الحکم (۱۳۶۰) جمال الدین محمد خوانساری (با مقدمه و تصحیح میر جلال الدین حسینی، چاپ سوم، دانشگاه تهران).
- \* آموزگار، محمد حسن (۱۳۷۹)، فلسفه و مکتب های تربیتی انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- \* ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۶۱) فلسفه تربیت (فلسفه آموزش و پرورش) انتشارات پیام نور.
- \* احمدی، احمد (۱۳۴۸) اصول و روش های تربیت در اسلام، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- \* جوادی آملی (۱۳۷۲) عرفان و حماسه؛ چاپ اول مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- \* حجتی، محمد باقر (۱۳۵۹) مسائل تربیتی اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- \* طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۷) مطهری مرتضی (شارح)، اصول فلسفه و روش رئالیسم جلد ایران
- \* مطهری، مرتضی؛ (۱۳۵۷) تفکر فلسفی و موسسه فرهنگی اندیشه.
- \* جعفری، محمد تقی (۱۳۶۸)، تعلیم و تربیت اسلامی؛ انتشارات امید.
- \* تحت العقول (۱۳۴۹)، ابو محمد الحسین بن علی بن حسین شعبه الحزانی، مکتبه بصیرتی قم.
- \* بهجت پور، عبدالکریم، و همکاران (۱۳۸۵) تفسیر موضوعی قرآن کریم، تهران نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.

